

خبر

آیت‌الله جنتی رئیس خبرگان رهبری ماند

● **شرق:**اعضای هیئت‌رئیس‌ه مجلس خبرگان رهبری در هشتمین اجلاس رسمی خبرگان رهبری، با رأی نمایندگان این مجلس ابقا شدند. به گزارش مهر، بر این اساس، آیت‌الله احمد جنتی به‌عنوان رئیس، آیت‌الله موحدی‌کرمانی نایب‌رئیس اول، آیت‌الله ابراهیم رئیسی نایب‌رئیس دوم، آیت‌الله خاتمی و آیت‌الله کعبی منشئی، آیت‌الله حسین‌پوشهری کاربرداز فرهنگی و حجت‌الاسلام والمسلمین قمی کاربرداز اداری مالی ابقا شدند. همچنین با نظر نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، ترکیب اعضای کمیسیون‌ها و هیئت اندیشه‌ورز مجلس خبرگان رهبری به مدت دو سال دیگر ابقا شد. همچنین نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در بیانیه پایانی این اجلاسبه تأکید کردند مذاکره مجدد با آمریکا خط قرمز نظام است. در این بیانیه آمده است: جهانیان دیدند که یکی دیگر از رؤسای جمهور حبیب و بی‌منطق آمریکا به زباله‌دان تاریخ پیوست، اما به فضل خداوند نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با اتکا به «مشتوانه عمیق مردمی» همچنان باصلابت به پیش می‌رود. استکبار جهانی بداند بازگشت یا عدم بازگشت آمریکا به برجام، اثری در مقاومت ملت شریف ایران ندارد و بازگشت آنان به برجام بدون رفع عملی تحریم‌ها، نه‌تنها نفعی ندارد، بلکه مضر هم هست. در قسمت دیگر از این بیانیه آمده است: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همواره بر اصل «عزت، حکمت و مصلحت» استوار بوده و بسر مذاکره و تعامل سازنده با جهان؛ به‌ویژه کشورهای منطقه تأکید دارد، اما مذاکره مجدد با آمریکا بر سر مسائل توافق‌شده را خط قرمز نظام دانسته و مسائل دفاعی و موشکی خود را غیرقابل مذاکره می‌دانیم و تأکید می‌کنیم که با همدلی سران قوا و تبعیت مسئولان محترم نظام از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و دفاع یکدل و یکصدا از عزت و استقلال کشور حتما در برابر حربه‌های دشمنان پیروز خواهیم شد. همچنین آمده: مقام معظم رهبری بارها بر دولت جوان و حزب‌اللهی تأکید نموده‌اند. انتخابات در جمهوری اسلامی، میدان حضور و مشارکت حداکثری اقصشار مردم در عرصه اجتماعی – سیاسی است و شرکت گسترده در انتخابات، حق و تکلیف دینی و ملی عموم شهروندان است. مجلس خبرگان رهبری، ضمن دعوت از مردم شریف ایران برای حضور پرشور در انتخابات خرداد ۱۴۰۰ تأکید می‌کند به‌کارگیری شیوه‌های صحیح و منطقی در معرفی و تبلیغ کاندیدها و پرهی از سیاه‌نامای، روش‌های غیرشرعی و رعایت اخلاق از شرایط ضروری یک انتخابات شایسته و در طراز نظام اسلامی است و در چنین فضایی، امکان تشخیص اصلح فراهم می‌آید. اقدام هوشمندانه ملت ایران در انتخابات، ۱۴۰۰ تضمین‌کننده آینده روشن و تحقق پیشرفت و عدالت خواهد بود.

ادامه از صفحه ۲

ناکامان اصولگرا

...از شهرداری قالیباف تا مجلس فعلی، الباس نادران جزء معدود چهره‌های فعلی مجلس است که به هم‌قطارانش نقد وارد می‌داند؛ درست مانند باهنر که بارها و بارها منتقد رفتار فعلی مجلسیان شده است. توکل‌ی هم منتقد عملکرد شهردار سابق و رئیس فعلی مجلس بوده و هم اخیرا در ماجرای نفوذ برخی چهره‌ها نزد روحانیون و مراجع صحبت‌های صریحی داشته و نسبت به رواج انحراف و خرافات همدار داده است. رگه‌هایی از عقلانیت، انصاف و عمل‌گرایی و به‌ویژه یابندگی بر برخی اصول در رفتار همه این چهره‌ها ثابت است و غیبت آن در اصولگراییان متأخر یا همان چهره‌هایی که این روزها جریان اصلی محسوب می‌شوند، بارز. مثلا باهنر در مصاحبه‌ای که دیروز با روزنامه خراسان داشته، گفته است: «من که ۲۸ سال نماینده مجلس بودم هر قصوری در مجلس اتفاق افتاده من حق ندارم فرافکنی کنم. اگر بودجه‌ای تصویب کردیم و اشکالاتی داشته، حتما باید عذرخواهی کنم و طبیعی است. اینکه همه اپوزیسیون و طبلکار بشویم درست نیست. متأسفانه امروز وضعیت کشور این‌طور شده که قوای کشور فقط همدیگر را نقد و به ناکارآمدی محکوم می‌کنند، حتی اتهام نفوذ و جاسوسی می‌زنند که خیلی ظلم است». محمدرضا باهنر چند بار در این یک‌سالگی که حدودا از آمدن مجلس یازدهم اصولگرا می‌گذرد، از نماینده‌های مجلس انتقاد کرده است. مثلا یک بار گفته است برخی از نمایندگانی که برای بار نخست به مجلس می‌آیند، می‌گویند در دوره‌های قبل هیچ کاری صورت نگرفته است و من می‌خواهم ببایم همه چیز را درست کنم، اما بعد از شش ماه که در مجلس حضور یافتند، می‌بیند خبری نیست. او در مصاحبه‌ای گفته بود: مردم نیز اطلاع کافی از اختیارات نماینده ندارند. البته مردم حق دارند، چراکه قبل کاری صورت نگرفته است و من می‌خواهم در حکمیت نیسنند اما نماینده‌ای که می‌خواهد به مجلس بیrod، باید متوجه این موضوع باشد. از سوئی عهده‌نازده‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری هم همین‌گونه هستند. من با دکتر قالیباف و تعدادی از نمایندگان گفت‌وگو و برادرانه به آنها توصیه کرده‌ام که در مجلس چه کارهایی می‌توانند انجام دهند که به دل مردم هم خواهد نشست و خرجی هم ندارد، چراکه اکنون خرج‌انداختن کردن دولت، مشکلی را حل نمی‌کند.

امیرحسین جعفری؛ نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان در بدو تشکیل با سؤال‌های زیادی از سوی بدنه اصلاح‌طلبان مواجه شد و چون هنوز جلسات بیشتری در این نهاد شکل نگرفته است، پاسخ سؤال‌ها را باید از دیگریا طلب کرد که تحلیل کافی از این طیف سیاسی دارند. نگاه‌های بدنه باقی‌مانده اصلاح‌طلبان نسبت به این سازوکار جدید بسیار جدی‌تر شده است، زیرا رفع موانع پیش‌رو برای شرکت در انتخابات ۱۴۰۰ بازگشت اعتماد عمومی به اصلاح‌طلبان تنها راه توفیق اصلاح‌طلبان در انتخابات است. برای تحلیل بهتر اتهامات نهاد اجماع‌ساز گفت‌وگو کردیم با «علیرضا علوی‌تبار»، نظریه‌پرداز و فعال سیاسی اصلاح‌طلب که مشروح آن را می‌خوانید.

کا نظر شما درباره ایجاد نهاد اجماع‌ساز و شروع کار آن چیست؟

درباره جبهه اصلاح‌طلبان تصور می‌کنم اگر به چند نکته توجه کنیم، به درک بهتری از این نهاد و جایگاه و نقش آن می‌رسیم. نکته اول این است که افراد در تشکیل‌هایی که در ایران امروز به‌عنوان اصلاح‌طلبان شناخته می‌شوند و خودشان هم این عنوان را قبول دارند، طیف گسترده‌ای هستند که از جنبه‌های گوناگون نیز هم شباهت دارند و هم متفاوت‌اند. قالب تشکیلاتی مناسب برای فعالیت چنین پیوسته گسترده‌ای چیزی جز جبهه نمی‌تواند باشد؛ جبهه دربرگیرنده مجموعه‌ای از احزاب و سازمان‌ها و افرادی است که ضمن حفظ هویت مستقل تشکیلاتی خود درباره موضوع توافق و اجماع دارند؛ راهبرد سیاسی و رهبری مشترک جمعی؛ بنابراین قالب تشکیلاتی انتخاب‌شده، انتخاب درستی است. نکته دوم، این نوسازی و بازسازی تشکیلاتی حاصل ارزیابی و جمع‌بندی عملکرد نهاد جمعی قبلی ایجاد یک نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده جبهه اصلاحات و شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان) بوده است. سعی شده نقاط قوت آن دو حفظ و نقاط ضعف آنها برطرف شود. البته در عمل میزان موفقیت مشخص می‌شود. امکان بهسازی هم در جریان فعالیت فراهم است. این تشکیلات امکان خوداصلاحی دارد. نکته سوم ایجاد یک نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده شرط لازم است اما شرط کافی موفقیت نیست. این نهاد هماهنگ‌کننده باید با تأمین برخی از شرط‌های دیگر تکمیل شود؛ مثلا توجه‌کنید که تقاضا برای مشارکت فعال در تصمیم‌گیری و انتخاب در میان اصلاح‌طلبان کل کشور بسیار نرومنند است. این نهاد باید با توجه به امکانات جدید ارتباطی، سیستم‌ها و سازوکارهایی را طراحی کند که به این تقاضا پاسخ مثبت داده است و از آن برای ارتقای خود بهره بگیرد. طرح «سرا» که قبلا توسط اصلاح‌طلبان مطرح شده بود و کم و بیش مورد تأیید هم قرار گرفته بود، یک مکمل مناسب است. به‌علاوه برای پیشبرد اصلاحات در ایران فقط نوسازی و بازسازی تشکیلاتی کفایت نمی‌کند. نوسازی و بازسازی گفتار سیاسی هم ضروری است. اگر بخواهیم در قالب نو همان حرف‌های تکراری را بزنیم، هیچ موفقیتی حاصل نخواهد شد. جبهه اصلاح‌طلبان سقف مناسبی است که ذیل آن مجموعه‌ای از سیستم‌ها، سازوکارها و فرایندها طراحی شود و تلاش برای خروج از بن‌بست‌ها افزایش یابد؛ اما درباره خودم باید عرض کنم هرکدام از اصلاح‌طلبان تشخیص دهند که باید مسئولیتی بر عهده بگیرم، من در خدمتشان هستم. سیاست‌ورزی کار جمعی است و نه فعالیت فردی، البته باید هرکدام از ما در زمینه‌ای فعالیت کنیم که در آن تخصص داریم. من معلم و تصور می‌کنم مزیت نسبی هم اگر دارم در همین زمینه است. من اگر چه نظریات تخصصی خودم را دارم، اما هیچ اقدامی که مغایرت قطعی با تصمیم قطعی اصلاح‌طلبان داشته باشد نمی‌کنم؛ اگر روزی به این نتیجه برسم، حق ندارم خودم را اصلاح‌طلب بنامم؛ اما راستش را بخواهید وقتی به موجی که شکل‌گیری این نهاد ایجاد کرده نگاه می‌کنم، تا حدودی به مؤثربودن آن بی‌می‌برم. اگر اثر نداشت، این‌همه واکنش نمی‌کرد؟

کا همه واکنش‌ها به شکل‌گیری این نهاد هماهنگ‌کننده جدید مثبت نبود. برخی نیز آن را بی‌ثمر یا طردکننده تلقی کردند. تحلیل شما از این مخالفت‌ها چیست؟

افراد و جریان‌هایی را که نسبت به تشکیل این تشکل هماهنگ‌کننده واکنش منفی و انتقادی نشان دادند، به چند دسته می‌توان تقسیم کرد و درباره هرکدام لابد موضع متفاوت داشت. دسته اول کسانی هستند که معتقدند در اساس سیاست‌ورزی در ایران امروز در تعلیق و تفضیل است. اینها معتقدند که فضای سیاسی آن‌قدر محدود و بسته شده است که دیگر رقابت معنادار و جذاب برای مردم در آن نمی‌تواند شکل بگیرد. اینها براساس تحلیلی که از اوضاع سیاسی کشور دارند، هر نوع سازماندهی و تحدید سازمان را عبث تلقی می‌کنند و می‌پرسند مگر کسی شما را به سیاست‌ورزی دعوت کرده که برایش سازماندهی می‌کنید؟

آنها می‌گویند حالا فرض کنید به نهادهای انتخابی هم مسلط شوید. آن‌گاه چه کار می‌توانید بکنید؟ بعد از مدتی خسته و کوفته از کشمکش باید تسلیم شوید؛ با نظرم این جدی‌ترین انتقاد به فعالیت‌های اصلاح‌طلبانه است. راستش را بخواهید من خودم را هم نمی‌توانم در این زمینه قانع کنم؛ دسته دوم کسانی هستند که تصور می‌کنند با تقویت سازماندهی و کیفیت نهاد هماهنگ‌کننده احتمالا

سیاست

علیرضا علوی‌تبار تبیین کرد

استراتژی نوسازی گفتار سیاسی

اگر همان حرف‌های تکراری را بزنیم موفقیتی حاصل نمی‌شود



علیرضا علوی، نویسنده

نقش و جایگاهشان کم‌رنگ‌تر و کم‌اثرتر می‌شود. طیف اصلاح‌طلبان در یک طرف افراد تشکل‌هایی را در بر می‌گیرد که از نظر فکری و موضع سیاسی محافظه‌کار بوده و از طرح دیدگاه‌ها و مواضع جدید در میان اصلاح‌طلبان هراس دارند. این جریان‌ها محافظه‌کاری خود را پشت انتقاد از هم‌راهانی که آنها را نادیده می‌گیرند پنهان می‌کنند. تصور آنها این است که این سازمان‌دهی جدید به تثبیت دیدگاه‌های پیشروتر در میان اصلاح‌طلبان می‌انجامد و از این رو نگران شده و ضمن انکار اقلیت‌بودن خودشان می‌کوشند تا از رعایت‌نشدن نظرات خودشان و همسوسان انتقاد کنند. برای برخی هم شکل‌گیری این نهاد فرصتی است برای طرح خود؛ طرح پرسش‌های تکراری به گونه‌ای که گویی این پرسش‌ها به ذهن دیگران نمی‌رسد! فرصت خوبی است تا از خودشان تصویر نظریه‌پرداز ی طرح راهبرد خودشان (شورای هماهنگی جبهه نمی‌گیرد! احزاب و افراد برای آنکه بتوانند به‌طور پایدار در صحنه سیاست ایفای نقش کنند باید قادر به طرح دیدگاه‌های سیاسی و فکری ویژه‌ای باشند که آنها را متمایز از دیگران کند. باید بخشی از جامعه را نمایندگی کنند، با این بخش رابطه زنده و متقابل برقرار کنند. قدرت‌سازماندهی و شجاعت طرح دیدگاه‌ها را داشته باشند؛ با روش‌های دیگر می‌توان مدتی توجه جلب کرد اما افول حتمی است.

کا در دسته‌بندی شما جوانان اصلاح‌طلب که انتقاد سازنده و از درون می‌کنند، کجا قرار می‌گیرند؟ بخش‌های رادیکال‌تر آنها جزء دسته اول قرار می‌گیرند. اما بخش‌هایی از آنها ذیل هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های بالا نیستند. نقدها و اعتراض‌های سازنده جوانان اصلاح‌طلب را باید تجلی همان تقاضا برای مشارکت فعال در تصمیم‌گیری و انتخاب دسته‌بندی کرد. آنها احساس می‌کنند که شیوه‌های موجود از همه توان و ظرفیت آنها بهره نمی‌گیرد و بالابودن سن به‌عنوان یک رانت در میان اصلاح‌طلبان عمل می‌کند. مهم نیست که احساس آنها منطقی بر واقعیت است یا خیر. مهم این است که آنها بر مبنای همین تصور و احساس رفتار خواهند کرد. آنچه واقعیت دارد این است که زمان تغییر کرده و بخشی از نسل گذشته (امثال من) قادر به درک مقتضیات زمان و سیاست‌ورزی در چارچوب آن نیست. نسل جدید اصلاح‌طلبان هم مقتضیات زمان را بهتر درک می‌کنند و هم توانمندی‌های کارشناسی بیشتری برای حل مسائل دوران ما دارند. این نسل جدید در مقایسه با نسل قبیل برتری‌هایی دارد که قابل انکار نیست:

اغلب در زمینه یکی از دانش‌های مدرن تخصص قابل قبولی دارند، اغلب با حداقل یک زبان خارجی آشنایی داشته و امکان بهره‌گیری از منابع موجود به آن زبان را دارند، اغلب با فناوری‌های جدید چه سخت‌افزار چه نرم‌افزار آشنایی خوبی دارند و این آشنایی دایره انتخاب و عمل آنها را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده. انگیزه و توان جسمی و روحی خوبی برای پیشبرد برنامه‌ها و طرح‌های خود دارند و درواقع می‌خواهم بگویم مسئله صرفا سن شناسنامه‌ای افراد نیست؛ بحث بر سر مقتضیات زمان و ظرفیت و توانایی فعالیت در چارچوب این مقتضیات است. تقاضا برای مشارکت فعال در تصمیم‌گیری فقط به جوان‌ترها خلاصه نمی‌شود. این تقاضا فراگیر است و اگر راه‌حل و سازوکاری برای آن پیش‌بینی نشود، اصلاحات خود را از پشتوانه قدرتمندی محروم می‌کند. به نظر من طرح پیشنهادی مشخص برای تحقق این مشارکت فراگیر بیش از هرکس بر عهده متقاضیان آن است. تا آنجا که من با دوستان مختلف در تشکل‌های اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده‌ام، از نظر فکری مقاومتی در برابر مشارکت به‌ویژه مشارکت جوان‌ترها نیست. باید سازوکارهای عملی آن را طراحی کرد و به اجرا گذاشت. اصلاح‌طلبان جوان‌تر نباید فراموش کنند که سازوکارهای تشکیلاتی جای خلاقیت‌های فکری و نظری را نمی‌گیرد. اگر اعتراض آنها به رکود در تولید اندیشه در میان اصلاح‌طلبان است، راه آن بیش از هر چیز بهره‌گیری از آموزش و پژوهش است. کارگاه‌های خوب طراحی‌شده بهترین زمینه برای تبادل اندیشه و تولید اندیشه‌های نو است. زیر سقف همین نهادها و تشکل‌ها موجود هم می‌توان این هدف را تأمین کرد.

کا آیا به‌طورکلی این تنوع و تکثری که در تشکل‌های اصلاح‌طلب وجود دارد، خوب است و باید ادامه یابد؟

تنوع و تکثر ویژگی جوامع غیرسننتی است؛ ویژگی‌ای که نمی‌توان آن را حذف کرد. ازاین‌رو، این

تصور را که می‌توانیم جامعه‌ای بدون تنوع و تکثر داشته باشیم، باید کنار بگذاریم و با تنوع و چندگونگی می‌باییم. اما در زمینه تشکیلات ما دو نوع تشکل سیاسی داریم: حزب و گروه ذی‌نفوذ. احزاب مخاطب عام دارند و می‌کشوند تا از میان اقشار مختلف نیرو جذب کنند. احزاب می‌کوشند تا قدرت را به دست گرفته یا در آن به‌طور مستقیم سهم شوند. ازاین‌رو، در انتخابات نامزد معرفی می‌کنند و از نامزدهای مورد نظرشان حمایت می‌کنند؛ اما گروه‌های ذی‌نفوذ مخاطب خاص دارند و از میان اقشار خاصی عضو می‌گیرند. آنها به‌صورت مستقیم برای به‌دست‌گرفتن قدرت یا سهم‌شدن در آن تشکیل نشده‌اند اما می‌کوشند تا بر خضم‌های حکومت که بر زندگی و کار اعضای آن اثر می‌گذارد و آنها را در جهت مورد نظر خود تغییر دهند. گروه‌های ذی‌نفوذ گروه‌های صنفی هستند. روابط مختلفی میان این گروه‌های صنفی و احزاب ممکن است شکل بگیرد که در جای خود مورد بحث قرار می‌گیرد. من هم در مقاله احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ در سایت مشق نو به آن پرداخته‌ام. تشکل‌های موجود در جبهه اصلاحات برخی حزب هستند و با تمام خصوصیات یک حزب مثل انتخاب ملت ایران، توسعه ملی ایران و کارگزاران سازماندهی، اما برخی تشکل‌ها هستند که از یک سو شبیه گروه‌های ذی‌نفوذ هستند و از یک سو شبیه

حزب مانند انجمن اسلامی جامعه پزشکی، انجمن اسلامی مهندسان، انجمن اسلامی معلمان و...؛ مخاطب و عضوگیری آنها خاص است اما حضورشان در سیاست مستقیم است و نه مانند گروه‌های صنفی. نخستین گام این است که ما بین فعالیت‌های صنفی و سیاسی نوعی تمایز قائل می‌شویم. انجمن‌ها و شوراهای صنفی اگرچه بر سیاست اثر می‌گذارند اما به‌طور مستقیم سیاسی (به معنای خاص آن) تلقی نمی‌شوند، اما هر حزب سیاسی فراگیر می‌تواند با سازمان‌ها و بخش‌های معطوف به اصناف خاص داشته باشد. مثلا سازمان دانشجویی داشته باشد یا سازمان کارگری و... . در میان اصلاح‌طلبان باید گفت‌وگویی درونی صورت گیرد برای تفکیک کار صنفی از کار سیاسی، اصلاح‌طلبان باید از مشکل و سازمان‌یافته‌شدن تمام اصناف دفاع کنند، به‌طوری‌که همه اصناف، شوراه‌ا و مجامع صنفی خاص خود را داشته باشند و افراد ضمن حفظ مواضع سیاسی و فکری خود بتوانند در قالب آنها منافع و مصالح صنفی خود را تأمین کنند. تشکل‌های غیرحزبی درون جبهه اصلاحات نیز باید به‌تدریج جایگاه تعریف‌شده و منحصی برای خود تعیین کنند. توجه داشته باشید که انجمن اسلامی نهادی است که با دو محور اصلی ابلاغ پیام و امر به معروف و نهی از منکر در حوزه آموزش‌های دینی شکل گرفته است. ما باید به تدریج به‌سوی استقلال نهادهای سیاسی و غیرسیاسی از هم پیش برویم. رشد مسا یعنی تفکیک بیشتر نقش‌ها و کارکردهایی که در زندگی داریم. درآمیختن نهادهای غیرسیاسی و سیاسی موجب تضعیف هر دو نهاد می‌شود. البته این به معنای فقدان جایگاه آموزه‌ها در اندیشه و عمل سیاسی نیست. مسئله تفکیک نهادهاست و به‌رسمیت‌شناختن انتقال آنها از یکدیگر. اقدام لازم دیگر تعریف جریان‌های اصلی فکری در میان اصلاح‌طلبان است. اگر بپذیریم دو گرایش راست مدرن و چپ مدرن درون اصلاح‌طلبان وجود دارد می‌توان در درون جبهه اصلاح‌طلبان نیز به تدریج دو فراکسیون راست مدرن و چپ مدرن داشت. این فراکسیون‌ها باید به تدریج به‌سوی ادغام و یگانه‌سازی احزاب و تشکل‌های خود بروند. به‌طوری‌که در میان‌مدت ما چند حزب اصلی داشته باشیم و از تفرق منابع جلوگیری کنیم.

روزنه

اینس نقاش در دمشق در گذشت

● شبکه خبری المیادین درگذشت اینس نقاش، از چهره‌های قدیمی و سرشناس مقاومت لبنانی، در ۷۰ سالگی خبر داد. به گزارش ایرنا، برخی منابع خبری با بیان اینکه نقاش در دمشق فوت کرده است، علت درگذشت او را ابتلا به کرونا اعلام کردند. المیادین در خبر دیگری افزود: جسد اینس نقاش سه‌شنبه از دمشق به بیروت منتقل و به خاک سپرده خواهد شد. «اینس نقاش» مبارز لبنانی و عضو سابق جنبش فتح بود که بخش زیادی از عمر خود را در راه مبارزه با رژیم صهیونیستی صرف کرد. نقاش در سال ۱۹۶۸ به جنبش فتح پیوست و مسئولیت آموزش نیروهای این جنبش در اردوگاهی در جنوب لبنان را بر عهده داشت، او همچنین در تمامی سال‌های مبارزه ارتباطی قوی با حزب‌الله لبنان و شخص «شهید عماد مغنیه» داشت. به‌طوری‌که در مصاحبه‌ای گفته بود: «اگر کسی به من می‌گفت که همه جان و وجودم را برای یک ساعت از عمر او بدهم، این کار را برای کسی جز عماد نمی‌کردم». او همچنین در سال‌های اقامت در دمشق، مرکز مطالعاتی امان را راه انداخت. بسیاری از کاربران عربی نوشته‌اند که اینس نقاش تمامی عمر خود را برای آزادی فلسطین و مقاومت هزینه کرد. چه زمانی که در دوره جوانی در لبنان نیروهای فتح را آموزش می‌داد، چه زمانی که برای انقلاب اسلامی ایران دست به سلاح برد و چه زمانی که با اقامت در دمشق به فعالیت پژوهشی و رسانه‌ای در راستای اهداف مقاومت مشغول شد. او در سال ۱۹۸۰ به اتهام تلاش برای ترور بختیار، آخرین نخست‌وزیر ایران قبل از پیروزی انقلاب، در دادگاه فرانسه به زندان ابد محکوم شد ولی پس از شش سال با گروگان‌گیری چند تبعه فرانسه در لبنان به‌دست اعضای حزب‌الله به ایران تحویل داده شد تا با گروگان‌های فرانسوی مبادله شود. پس از آزادی از زندان فرانسه در سال ۱۹۹۰ به تهران بازگشت و زندگی عادی‌اش را خارج از موطنش از سر گرفت. اگرچه در سال‌های پس از آزادی بارها به لبنان و سوریه هم سفر کرد. اینس نقاش در طول سال‌های گذشته به‌عنوان پیشکام رسانه‌ای در حوزه مقاومت فعال بود. او در مصاحبه با ویژه‌نامه رمز عبور روزنامه ایران گفته بود: من در گفت‌وگو با بازجوی فرانسوی تأکید کردم که فرق من با شما این است که من به ترور بختیار افتخار می‌کنم و به آن اعتقاد دارم اما شما تنها دستورات مافوق را عمل می‌کنید. بعد از دستگیری من و فرار بنی‌صدر برخی از بچه‌های سپاه به دیدار امام رفته و درخواست ترور بنی‌صدر را طرح کردند. اما امام نپذیرفت.



۳٫۳%

سود پرازیز!!!



بانک ملت تا ۳٫۳% سود بیشتر

به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار سال ۱۳۹۸ پرداخت نمود.



بانک ملت

bank mellat

تجربه ای متمایز